جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، سال دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص: ۴۱۳-۴۳۸
Journal of Comparative Hadith Sciences, Spring and Summer 2023, 10(18), P:413-438

Encouragement and Punishment Patterns from the Perspective of Nahj al-Balaghah with an Emphasis on the Second Seven Years (Childhood) of Education and Upbringing *

Mehdi Mohammad Mirzayi[1] and Mahshid Izadi[2] and Fahimeh Ansarian[3] and Masoumeh Samadi [4]

Abstract

Encouragement and punishment are two important methods in human education and upbringing, especially in the development of personality and normative behavioral patterns. This is because human nature tends to perform tasks better when encouraged, while feeling demotivated and disheartened when subjected to discipline, admonishment, or negligence, leading to a sense of humiliation and weakness, thereby inhibiting the optimal utilization of their talents. Therefore, this research aims to design a model of encouragement and punishment from the perspective of Nahj al-Balaghah. The descriptive-survey method is employed, utilizing library resources and seeking the opinions of experts in educational matters through the Delphi method, based on content analysis. The findings can be summarized as follows: According to experts and specialists in educational matters, verbal encouragement patterns hold the highest rank, while non-physical punishment patterns have the highest rank in improving educational and upbringing conditions.

Keywords: Model, Encouragement, Punishment, Child, Upbringing, Nahj al-Balagha (Peak of Eloquence).

---

*. **Date of receiving:** 25/03/1401 (June 15, 2022), **Date of approval:** 06/05/1401 (July 27, 2022).

1. PhD Candidate in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran; Corresponding Author; (mmmirzayi114@gmail.com).

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran; (dr.izadi.mahshid1452@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran; (f.ansarian110@yahoo.com).

4. Associate Professor, Research Department of Education, Institute for Research in Education, Tehran, Iran; (fsamadi30@yahoo.com).

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، سال دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص: ۴۱۳-۴۳۸
Journal of Comparative Hadith Sciences, Spring and Summer 2023, 10(18), P:413-438

مقاله علمی ـ پژوهشی

الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج‌البلاغه با تأکید بر هفت سال دوّم (کودکی) تعلیم و تربیت*

مهدی‌محمد میرزایی[۱] و مهشید ایزدی[۲] و فهمیه انصاریان[۳] و معصومه صمدی[٤]

چکیده

دو عامل تشـــویق و تنبیه، از روش‌های مهمّ در تعلیم و تربیت انســـان، به‌ویژه در تحوّل شـــخصـــیّت و کُنش‌های رفتاری بهنجار ایشان می‌باشند؛ زیرا طبیعت او به‌گونه‌ای است که وقتی در انجام اُمور، مورد تشویق قرار می‌گیرد، معمولاً در صدد برمی‌آید تا آن اُمور را بهتر انجام دهد و برعکس انسانی که مورد تنبیه، نکوهش یا ناسپاسی قرار می‌گیرد، دلسرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند، و نمی‌تواند از اســتعدادهای خویش به‌نحو مطلوبی اســتفاده نماید. لذا این پژوهش با هدف طرّاحی الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج‌البلاغه، با روش توصیفی- پیمایشی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و کســب دیدگاه متخصّــصــان و خُبرگان در اُمور تربیتی با اســتفاده از روش دلفی، مبتنی بر شــیوه تحلیل مضــمون، مورد اعتباربخشــی قرار گرفت که نتایج آن به این شــرح می‌باشــد: از دیدگاه متخصّــصــان و خُبرگان در اُمور تربیتی، الگوی تشــویق کلامی تعریف بالاترین رتبه، و الگوی تنبیه غیربدنی تذکّر بالاترین رتبه را در بهبود اوضاع تعلیم و تربیت دارند.

واژگان کلیدی: الگو، تشویق، تنبیه، کودک، تربیت، نهج‌البلاغه.

---

*. تاریخ دریافت: ۱٤۰۰/۰۹/۱٦ و تاریخ تأیید: ۱٤۰۱/۰۳/۱۷.

۱. دانشــجوی دکتری فلســفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشــگاه آزاد اســلامی، تهران، ایران.(نویســنده مسئول)؛ (mmmirzayi114@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (dr.izadi.mahshid1452@gmail.com).

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (f.ansarian110@yahoo.com).

٤. دانشیار گروه پژوهشی تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران ؛ (fsamadi30@yahoo.com).

مقدمه

نهج‌البلاغه این گنجینه غنی معارف دین اسلام که اهمّیّت آن در معارف اسلامی و آموزه‌های دینی بر همگان روشن است، به‌کارگیری شیوه‌های تشویق و تنبیه را به‌عنوان سیره امام علی﵇ در تعلیم و تربیت و هدایت فرد به‌سوی بهشت نشان می‌دهد. امام﵇ دربارهٔ فلسفه و نقش پاداش و کیفر الهی در تعلیم و تربیت می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ، وَ حِياشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ**: همانا خداوند پاداش را (تشویق) بر اطاعت، و کیفر را (تنبیه) بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به‌سوی بهشت بِکشاند» (حکمت ۳٦۸).

امام علی﵇ حتّی در سفارشات خود به مالک اَشتَر نَخعی چنین می‌فرماید: «**وَ لاَ يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَة سَوَاء، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيداً لِاهْلِ الاْحْسَانِ فِي الاْحْسَانِ، وَ تَدْرِيباً لِاهْلِ الاْسَاءَةِ عَلَى الاْسَاءَةِ**: و نباید که نیکوکار و بدکردار در نزد تو یکسان باشند؛ زیرا این کار سبب می‌شود که نیکوکاران را به نیکوکاری رغبتی نماند و بدکاران را به بدکاری رغبت بیفزاید» (نامه ۵۳).

به همین علّت حضرت﵇ تشویق کارکنان خدوم و نیز تنبیه کارمندان شرور را از مختصّات مهمّ یک نظام اداریِ به‌سامان می‌دانست که این مطلب در حکومت پنج ساله امام﵇ تبلور ویژه‌ای داشت، به‌خصوص آنکه رهبری و مدیریّت ایشان - به‌عنوان نمونه‌ای عَملی و تجربه شده - جایگاه خاصّی در مدیریّت اسلامی دارد و سیره حکومتی حضرت﵇، الگوی مناسبی برای دولتمردان نظام اسلامی است.

امام علی﵇ در خطبه‌ها و نامه‌های خود، از دو روش تشویق و تنبیه برای هدایت مردم به راه حقّ، بهره جسته و به کارگزاران خود سفارش می‌کرد که از تشویق و تنبیه برای واداشتنِ زیردستان، به کوشش اجتماعی بهره بگیرند (صحافی، جاویدان، ۱۳۹٤: ۷۱۳). امام﵇ به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی برای مدیریت درست اجتماعی، فرمانداران و اُستانداران شایسته خود را مورد تشویق، و خطاکاران آنها را نیز توبیخ و تنبیه می‌کرد (هاشملو، ۱۳۹۷).

پیشوای عدالت‌خواهان پس از حسابرسی دقیق از کارگزاران، به ارزش‌گذاریِ عملکرد آنان می‌پرداخت و با تشویق و تنبیه، بین اَفراد نیکوکار و بدکار تفاوت قائل می‌شد. ایشان کارگزاران متجاوز را با صلابت و عدالت مجازات می‌نمود و از مسئولان متعهّد با رحمت و شفقّت قدردانی می‌کرد. امّا با این همه، تشویق و تنبیه در مدیریّت علوی، تک‌ساحتی و ناظر به یک حیطه خاصّ مدیریّتی نبود؛ بلکه قلمرویی فراگیر داشت و مشمول تمام عرصه‌های جامعه اسلامی می‌گردید (مردانی، ۱۳۹۰: ۱۵٤).

بنابراین، از آن‌جا که هرگونه تغییر و اِصلاح در برنامه‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، مستلزم بررسی عمیق و واقع‌بینانه وضع موجود است، شناخت دقیق الگوهای تشویق و تنبیهِ معمول در جامعه،

بر مبنای یک تحقیق عِلمی ضروری است. با توجّه به کمبود تحقیقات در زمینه الگوهای تشویق و تنبیه و اَثرات آن بر فرایند تعلیم و تربیتِ انسان، محقّق در این مقاله به‌جهت پاسخ به سؤال: الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج‌البلاغه چگونه است؟، در صدد است که بتواند به بیان اهمّیّت تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، بر اَساس سخنان امام علی﵇ در کتاب شریف نهج‌البلاغه و نیز ارائه الگوهای مناسب تشویق و تنبیه در هفت سال دوّم -کودکی- تعلیم و تربیت، با استفاده از دیدگاه متخصّصان و خُبرگان در اُمور تربیتی، در جهت ایجاد وضع مطلوب بپردازد.

در مورد بحث تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. چنان‌که قنبرلو (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تشویق و تنبیه بر اِصلاح و تغییر رفتار دانش‌آموزان»، تشویق و تنبیه را دو روش فوق‌العاده مهمّ تعلیمی و تربیتی می‌داند که مورد تأکید عقل بوده، و دین مقدّس اسلام، قرآن کریم و ائمّه اَطهار﵈ نیز به آن دو عنایت ویژه‌ای داشته‌اند.

رضایی‌خواه نیز (۱۳۹۸) در مقاله خود با موضوع «تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن» با هدف بهبود اخلاق و تربیت انسان‌ها، با بهره‌بردن از دو عامل پیشرفت تشویق و تنبیه اُصولی و با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل و استخراج محتوا به این نتیجه می‌رسد که برای تعلیم و تربیت، اَمر تشویق و تنبیه، به‌عنوان یکی از عوامل مهمّ تلقّی می‌شوند.

صحافی و جاویدان (۱۳۹٤) در مقاله «بررسی تمایز تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی با سایر دیدگاه‌ها»، با هدف بررسی وجه تمایز دیدگاه اسلام و سایر دیدگاه‌ها در عرصه تعلیم و تربیت، به این نتیجه می‌رسند که اَصل تشویق و تنبیه، از اُصول مهمّ اوّلیّه در تعلیم و تربیت می‌باشند که بر اَساس همین اَصل، پیامبران و برگزیدگان الهی نیز بشارت و اِنذار را برای هدایت انسان‌ها به کار می‌بردند.

امّا علی‌رغم تحقیقات انجام شده در زمینه تشویق و تنبیه، هنوز الگوی جامع و مدوّنی از منظر نهج‌البلاغه با تأکید بر هفت سال دوّم -کودکی- تعلیم و تربیت، جهت اجرا در بین خانواده‌ها و مدارس طرّاحی نشده است که مقاله حاضر، به این مسأله اشاره دارد.

در مکتب تربیتی امام علی﵇ نمونه‌های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می‌خورد که نمایانگر ضرورت و اهمّیّت تشویق و تنبیه در نگاه آن حضرت﵇ است. از نظر ایشان انسان، موجودی است که روح خدا در او دمیده شده و استعدادهای رسیدن به کمال در درون او گذاشته شده است. این استعدادها در اَثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می‌شوند که در این میان یکی از روش‌های مهمّ تعلیم و تربیت اسلامی، شیوه تشویق و تنبیه است. از آنجایی که شرایط و ویژگی‌های تربیتی در مراحل مختلف زندگی کاملاً متفاوت است و به میزان رشد و کیفیّت هر مرحله بستگی دارد، از این جهت بحث از مراحل و شیوه‌های مناسب تعلیم و تربیت در مرحله مربوطه، از اهمّیّت خاصّی برخوردار است.

الف. تشویق در نهج‌البلاغه

به فرموده امام علی﵇ تشـویق، عاملی در برانگیختن آدمیان به‌سـوی اَهداف تعلیم و تربیت و نیز وسیله‌ای برای تقویت انسـان به تلاش بیشتر و فراهم کردن نشـاط لازم است. به فرموده حضرت﵇ در تعلیم و تربیت، اَصـل بر تشـویق اسـت نَه تنبیه؛ تنبیه فقط آن‌هنگام به‌کار گرفته می‌شـود که روش‌های دیگر نتیجه ندهند، و چاره‌ای جز آن برای بیداری آدمی و درمان انسـان نباشـد. بر اَسـاس روایات وارد شده از امام﵇، نقش تربیتیِ مثبت تشویق، فقط برای نیکوکاران نیست؛ بلکه در صورت اَصل قراردادن آن و فضـایی از رحمت و محبّت، می‌توان بدکاران را نیز با توجّه به فطرت ایشـان[1] به درسـتی و نیکی متمایل ساخت (دلشاد تهرانی، ۱۳۹٤: ٤٨٤).

به همین منظور امام﵇ در بیان روش برخورد صـحیح با بدان، پاداش‌دادن به نیکوکار را عامل بازدارنده از تخلّف بدکار می‌دانند و می‌فرماید: «**اُزجُرِ المُسِـیءَ بِثَوابِ المُحسِـنِ**: با پاداش و تشـویق نیکوکار، شخص بدکار و فاسد را از بدی باز دارید.» (حکمت ۱۷۷)

آنچه که بر اَساس سخنان حضرت﵇ مهمّ می‌باشد این است که باید بین عَملِ فرد و میزانِ تشویق او، حدّ تناسب رعایت شده تا اَثر مطلوب روا داشته شود. بدون این تناسب، یا اِفراط می‌شود و یا تفریط که هر دو بی‌تأثیر خواهند بود. (رضـایی‌خواه، ۱۳۹۸) لذا امام﵇ برای جلوگیری از اِفراط و تفریط در تشویق، علّت خاصّ بیان داشته و می‌فرماید: «**اَلثَّناءُ بِأکْثَرَ مِنَ الْاِسْتِحقاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصیرُ عَنِ الْاِسْتِحْقاقِ عِیٌّ اَوْ حَسَدٌ**: ستایشِ بیش از حدِّ استحقاق، چاپلوسی است و کم‌گذاشتنِ از حدِّ استحقاق، حسادت است» (حکمت ۳٤۷).

۱. انواع تشویق از منظر امام علی﵇

گونه‌های مختلف تشویق از منظر امیرمومنان﵇ به شرح ذیل است:

۱ـ۱. تشویق کلامی

کلام، مهمّ‌ترین اَبزار ارتباطی انسان است و تأثیری شگرف بر روح و رون آدمی دارد. کلامِ خوشایند می‌تواند دانش آموز را مجذوب و شیفته سازد، همچنان‌که کلامِ ناخوشایند، او را افسرده‌خاطر و محزون می‌سازد. لذا نیکویی و لطافت کلام، به میزان بسیار زیادی می‌تواند در تشویق و جذب متربّی و پیشبرد اَهداف مربّی مؤثّر باشد (دل‌افکار و دیگران، ۱۳۹۸: ٤۹). به همین منظور، انواع تشویق کلامی در بیان امام﵇ را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

---

۱. عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص که بر این اَساس انسان، مایل به کمالات، نیکویی و دوست‌دار تشویق است، نَه تنبیه. (دهانی، یحیی آبادی، ۱۳۹٦: ۱۳)

۱ـ۱ـ۱. اِعلام رضایت‌مندی

پس از آنکه پدر، مادر و متولّیان اَمر تعلیم و تربیت در دوره‌ای بر متربّی سخت گرفتند تا ضوابط را رعایت کند، باید رضایت‌مندی خود را از او اِعلام کرد؛ زیرا اِعلام رضایت به‌ویژه از طرف متولّیان اَمر تعلیم و تربیتِ مدارس، متربّی را خشنود می‌سازد. امّا باید دانست که رضایت مادران نیز اَرزنده است؛ ولی به دلیل مِهرورزی همیشگی مادر به فرزند، تشویق و رضایت مادرانه برای فرزند، عادّی است؛ ولی در مقابل، رضایت‌مندی پدر، برای او گواراتر و مهمّ‌تر جلوه می‌کند. (احمدخانی، افشار ۱۳۹۳: ٤٩).

امام﵇ نیز دربارهٔ یکی از فرماندارانش به نام عُمَربن ابی‌سَلَمه مَخزومی، اِعلام رضایت‌مندی کرده و جهت تشویق او جملاتی می‌فرماید: «**وَ نَزَعْتُ يدَكَ بِلَا ذَمٍّ لَكَ، وَ لَا تَثْرِيبٍ عَلَيكَ. فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوِلَايَةَ وَ أَدَّيتَ الْأَمَانَةَ فَأَقْبِلْ غَيرَ ظَنِينٍ وَ لَا مَلُومٍ وَ لَا مُتَّهَمٍ وَ لَا مَأْثُومٍ فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظَلَمَةِ أَهْلِ الشَّامِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِي فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ وَ إِقَامَةِ عَمُودِ الدِّينِ إِنْ شَاءَ اللَّه**: تو را از فرمانداری آن سامان گرفتم، بی‌آن‌که سرزنشی برای تو وجود داشته باشد. به راستی تاکنون تو به خوبی فرمانروایی کرده‌ای و اَمانت را به جای آورده‌ای، پس بی‌آن‌که مورد کم‌ترین بدگمانی باشی، یا اتّهام گناهی دربارهٔ تو مطرح باشد، به‌سوی ما بیا؛ حقیقت این است که به‌سوی ستمگران شام آهنگ کرده‌ام و دوست دارم تو نیز همراه من باشی؛ زیرا تو از کسانی هستی که به خواست خداوند در جهاد با دشمن و برپا داشتن ستون دین بر تو تکیه دارم» (نامه ٤٢).

لازم به ذکر است که بیان کارهای نیکِ انسان نیز نوعی حقّ‌شناسی و اِعلام رضایت‌مندی است. امام﵇ به‌منظور تشویق، به مالک اَشتر نَخعی می‌نویسد: «**اَمَّا بَعدُ! فَإِنَّکَ مِمَّن أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ، وَ أَقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ الأَثِيمِ، وَ أَسُدُّ بِهِ لَهَاةَ الثَّغْرِ المَخُوفِ**: اَمّا بعد! همانا تو از کسانی هستی که در یاری دین از آنها کمک می‌گیرم و سرکشی گناهکاران را در هم می‌کوبم و مرزهای کشور اسلامی را که در تهدید دشمن قرار دارند، حفظ می‌کنم» (نامه ٤٦).

۱ـ۱ـ۲. تعریف

تعریف، به‌معنی نیکوشمردنِ عَمل است و به هنگامی که از فردی تعریف می‌کنید، روحیه اُمیدوارانه‌ای در او پدید می‌آید و خواهد کوشید همان کار را تکرار کند و از تحسین دیگران برخوردار شود (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۱٤). تعریف به‌معنای توصیف کردن متربّی نسبت به فعلی که انجام داده است. در واقع، تعریف‌کردن از متربّی، مرحله‌ای فراتر از اِعلام رضایت‌مندی است؛ زیرا در اِعلام رضایت، فقط رضایت مربّی یا پدر و مادر، از متربّی بیان شده؛ امّا در تعریف که مرحله‌ای بالاتر است، همراه با توصیف و تشبیه متربّی می‌باشد.

امام﵇ نیز جهت تشکّر از یارانش در جنگ صفّین، در اُوصاف آنها می‌فرماید: «**وَ أَنْتُمْ لَهَامِيمُ الْعَرَبِ، وَ يَآفِيخُ الشَّرَفِ، وَ الْأَنْفُ الْمُقَدَّمُ، وَ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ. وَ لَقَدْ شَفَى وَ حَاوِحَ صَدْرِي أَنْ رَأَيْتُكُمْ بِأَخَرَةٍ تَحُوزُونَهُمْ كَمَا حَازُوكُمْ، وَ تُزِيلُونَهُمْ عَنْ مَوَاقِفِهِمْ كَمَا أَزَالُوكُمْ**: در حالی که شما از بزرگان عرب و از سران شرف می‌باشید، برازندگی چشمگیری دارید و قلّه‌های سرفراز و بلند قامتید. سرانجام سوزش سینه‌ام با مقاومت و حملات دلاورانه شما تسکین یافت که دیدم شامیان را هزیمت دادید و صف‌های آنان را در هم شکستید و آنان را از لشکرگاه خود راندید، آن‌گونه که آنها شما را کنار زدند» (خطبه ۱۰۷).

۱ـ۱ـ۳. دعا و طلب رحمت

دعا برای متربّی و طلب رحمت برای وی، در پی اَعمال نیکی که انجام می‌دهد، در واقع شیوه‌ای جهت تأیید و توجّه ویژه به آن عَمل و تشویق کلامیِ او برای اِستمرار آن رفتار پسندیده است (احمدخانی، افشار، ۱۳۹۳: ۵۰).

امام﵇ به‌جهت تشویق کسی که کنترل نفس خود را دارد می‌فرماید: «**فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً نَزَعَ عَنْ شَهْوَتِهِ، وَ قَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيءٍ مَنْزِعاً، وَ إِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنْزِعُ إِلَى مَعْصِيةٍ فِي هَوًى**: پس رحمت خداوند بر کسی که شهوات خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند؛ زیرا کار مشکل، بازداشتن نفس از شهوت بوده که پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است» (خطبه ۱۷٦) .

امام﵇ در جای دیگری از نهج البلاغه نسبت به یاران اَهل‌بیت پیامبرﷺ می‌فرماید: «**وَ جَزَاكُمُ اللّهُ مِنْ اَهْلِ مِصْرٍ عَنْ اَهل‌بیت نَبِيكُمْ أَحْسَنَ ما يجْزِى اَلْعَامِلِينَ بِطَاعَتِهِ، وَ الشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ، فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ، وَ دُعِيتُمْ فَأَجَبْتُمْ**: خداوند شما مردم کوفه را که از اَهل‌بیت پیامبرتانﷺ حمایت کردید، پاداشِ نیکو دهد؛ بهترین پاداشی که به بندگان فرمانبردار و سپاسگزاران نعمتش عطا می‌فرماید؛ زیرا شما دعوت ما را شنیدید و اطاعت کردید، به جنگ فراخوانده شدید و بسیج گشتید» (نامه ۲).

۱ـ۱ـ٤. تجلیل و یاد

امام﵇ در سخنان خود، به‌خاطر تشویق دیگران و محبّتی که نسبت به برخی از یاران خود داشت، از آنها همواره تجلیل و یاد کرده و می‌فرمود: «**أَيْنَ إِخْوَانِيَ الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ، أَيْنَ عَمَّارٌ، وَ أَيْنَ ابن‌التَّيهَانِ، وَ أَيْنَ ذُوالشَّهَادَتَينِ**: کجا هستند آن برادران من که راه مستقیم حقّ را پیش گرفتند و با حقّ نیز درگذشتند؟ کجاست عمّار؟ کجاست پسر تَیهان؟ کجاست ذوالشّهادتین؟» (خطبه ۱۸۲) و یا امام﵇ در سفارشات خود به مالک اَشتَر نَخعی، نسبت به شیوه تشویقِ سپاهیان خود می‌فرماید: «**وَ وَاصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيهِمْ، وَ تَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبَلاَءِ مِنْهُمْ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَفْعَالِهِمْ تَهُزُّ**

الشُّجَاعَ، وَ تُحَرِّضُ النَّاكِلَ، إِنْ شَاءَ اللهِ تَعَالى: و همواره آنان را به نیکویی یاد کُن و پیوسته به نیکیشان بستای، و رنج‌هایی را که تحمّل کرده‌اند همواره بر زبان‌آر؛ زیرا یاد کردن از کارهای نیکشان، دلیران و شجاعان را برمی‌انگیزد و از کارماندگان را به کار و تلاش ترغیب می‌کند.» (نامه ۵۳).

۱ـ۱ـ۵. بیان پاداش‌های بهشتی

یکی دیگر از روش‌های تشویق کلامی، بیان وعده‌ها و پاداش‌هایی است که مربّی در آینده به متربّی عطا می‌کند. در قرآن و روایات متعدّد، از این نوع تشویق کلامی به وفور استفاده شده است و خداوند در آیات بسیاری به مؤمنان، وعده پاداش‌های متنوّع بهشتی را داده است.

امام﵇ نیز به‌جهت تشویق مردم، از این روش در موارد متعدّدی استفاده نموده است. ایشان در تشویق مردم به جهاد می‌فرماید: «**وَ اللَّهُ مُسْتَأْدِيكُمْ شُكْرَهُ، وَ مُوَرِّثُكُمْ أَمْرَهُ، وَ مُمْهِلُكُمْ فِي مِضْمَارٍ مَحْدُودٍ لِتَتَنَازَعُوا سَبَقَهُ. فَشُدُّوا عُقَدَ الْمَآزِرِ، وَ اطْوُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَلِيمَةٌ. مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ وَ أَمْحَى الظُّلَمَ لِتَذَاكِيرِ الْهِمَمِ:** خداوند شکرگزاری را بر عهده شما نهاده و اَمر حکومت را در دست شما گذارده و فرصت مناسب در اختیارتان قرار داد تا برای جایزه بهشت با هم ستیز کنید. پس کمربندها را محکم ببندید و دامن همّت بر کَمَر زنید که به‌دست آوردن ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسّر نیست. چه‌بسا خواب‌های شب که تصمیم‌های روز را از بین بُرده و تاریکی‌های فراموشی که همّت‌های بلند را نابود کرده است» (خطبه ۲۴۱).

همچنین ایشان در جای دیگر به‌جهت تشویق بندگان صالح خدا می‌فرماید: «**اَمَّا اللَّيلَ فَصَافُّونَ اَقْدامَهُمْ تَالِينَ لِاجْزاءِ اَلْقُرانِ يرَتِّلُونَهَا تَرْتِيلاً، يحَزِّنُونَ بِهِ اَنْفُسَهُمْ وَ يسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دائِهِمْ. فَاِذا مَرُّوا بِآيةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا اِلَيهَا طَمَعاً، وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ اِلَيهَا شَوقاً، وَ ظَنُّوا اَنَّهَا نُصْبَ اَعْيِنِهِمْ:** پرهیزکاران شب را بر پا می‌ایستند و بخش‌هایی از قرآن را چنان با ترتیل تلاوت می‌کنند که آتش درون را شعله‌ور و داغ فراق را تازه می‌کنند و بر اندوه هجران می‌افزایند و با آن به درمان دردشان می‌کوشند. چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن گونه‌ای از تشویق است با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جانِ پُرشوق در آن خیره شوند و گمان می‌برند که نعمت‌های بهشت در برابر دیدگانشان قرار دارد» (خطبه ۱۹۳).

امام﵇ در بیان پاداشِ خداوند برای بندگی کردن مخلوقات هم می‌فرماید: «**سُبْحَانَک خَالِقاً وَ مَعْبُوداً بِحُسْنِ بَلَائِک عِنْدَ خَلْقِک خَلَقْتَ دَاراً وَ جَعَلْتَ فِيهَا مَأْدُبَةً مَشْرَباً وَ مَطْعَماً وَ أَزْوَاجاً وَ خَدَماً وَ قُصُوراً وَ أَنْهَاراً وَ زُرُوعاً وَ ثِمَاراً ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِياً يدْعُو إِلَيهَا:** خداوندا! اِی منزّه از همه نقایص در خالقیت و معبودیت که مخلوقات را برای آزمایش نیکو آفریدی. خانه‌ای بس باعظمت به وجود آوردی، و خوانی بی‌دریغ در آن بگستردی. در آن خوان بی‌دریغ، انواع آشامیدنی، خوردنی، همسران، خدمتکاران، کاخ‌های مجلّل، چشمه‌سارها، مزارع و میوه‌ها قرار دادی. خداوندا! سپس دعوت‌کننده‌ای فرستادی که مردم را به‌سوی آن سرای جاودانی دعوت نماید» (خطبه ۱۰۹).

۱ـ۲. تشویق مادّی

بسیاری از شیوه‌های تشویقی ممکن است تنها با گفتار یا رفتار، انسان را به انجام رفتارِ نیك، دل‌گرم سازند. امّا گاهی مواقع باید از روش‌های مادّی نیز استفاده نمود. بَرآورده‌کردن آرزو و خواسته‌های متربّی، از جمله موارد تشویق‌های مادّی است که در موارد متعدّد، اَهل‌بیت‌ﷺ از این روش استفاده نموده‌اند؛ مانند تشویق مالی که امام حسین‌ﷺ به معلّم فرزندش به‌جهت تعلیم سوره حمد انجام داد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ٦٦/٤).

آرزو یعنی آنچه‌که انسان در زندگی یا در دنیای هستی تمنّا می‌کند. همچنین در تعریف آرزو گفته‌اند: یک‌سری خواسته‌ها و منویّات آدمی در جهت رُشد و تعالی معیارهای زندگیِ خود در حال یا آینده که به مرور زمان این آرزوها بر اَساس شرایط و موقعیّتِ زمانی و مکانی در تغییر است که بَرآورده‌کردن آنها، موجب ترقّی و تکامل آدمی بوده و از نظر دین اسلام ممدوح می‌باشد (خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، ۱۳۹۳).

امام علی‌ﷺ نیز از این شیوه تشویق مادّی و غیرکلامی استفاده نموده، و در یکی از سفارشات خود به مالک اَشتَر نَخعی، توصیه می‌نماید که نسبت به سپاهیان خود تشویقات مادّی نیز داشته باشد. ایشان در این زمینه به مالک اَشتر می‌فرماید: «**فَافْسَحْ فِی آمَالِهِم**: پس آرزوهای سپاهیان را بَرآور» (نامه ۵۳).

۱ـ۳. تشویق ارزشی (معنوی)

گاه در نهج‌البلاغه، به تشویق‌هایی بَر می‌خوریم که با شیوه‌های یاد شده تفاوت دارد. این نوع تشویق‌ها اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت‌های بهشتی از ارزش بیشتری برخوردار است؛ و اگر به این دنیا مربوط باشد، از تشویق‌های مادّی برتر است. (قنبرلو، ۱۳۹۹: ۱۰) پدر، مادر و مربّیان نیز می‌توانند از این شیوه بهره گیرند و متربّی را به خود نزدیك کنند و همنشین محفل اُنس خود سازند. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۱) به همین منظور، انواع تشویق ارزشی (معنوی) در بیان امام‌ﷺ را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱ـ۳ـ۱. رُتبه دادن

کلمه رُتبه در لغت‌نامه دهخدا به‌معنای قدر و منزلت و جاه، درجه و طبقه، مرتبه و پایه، منصب و مقام و... می‌باشد که در اهمّیّت استفاده از این روش در تعلیم و تربیت، امام‌ﷺ نسبت به تشویق ارزشی (معنوی) سربازانی که استقامت می‌ورزند، رُتبه بالای شهادت را قرار داده و می‌فرماید: «**الْزَمُوا الْأَرْضَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى أَلْسِنَتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ**

عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النِّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيفِهِ فَإِنَّ لِكلِّ شَيءٍ مُدَّةً وَ أَجَلاً: سربازان! در زمین خود آرام بگیرید و دست‌ها و شمشیرهایتان را با سخنان بی‌پایه زبانتان به حرکت درنیاورید؛ و دربارهٔ چیزی که خداوند آن را برای شما به تعجیل نخواسته است، شتابزده نباشید؛ زیرا کسی از شما که با معرفتِ حقّ خدا و حقّ رسول خدا و اَهل‌بیتش‌ﷺ در رختخوابش چشم از این دنیا بپوشد، از این دنیا شهید رفته و پاداش او بر خدا است و چنین شخصی مستحقّ ثواب نیتی است که برای انجام عمل صالح نموده و همان نیت جانشین کشیدن شمشیر (در میدان جهاد) است؛ (پس عجله نکنید) زیرا برای هر چیزی مدّتی و پایانی است.» (خطبه ۱۹۰)

۱ـ۳ـ۲. همراهی و حمایت

کلمه همراهی در لغت‌نامه دهخدا به‌معنای کمک، مُساعدت، مُعاضدت، رفاقت، یاری و... آمده است. این شیوه از الگوی تشویقِ ارزشی (معنوی)، آن قدر اهمّیّت دارد که امام‌ﷺ نسبت به تشویق کسانی که پایبند به دین اسلام و قوانین آن باشند می‌فرماید: «**وَ إِنَّ لَكُمْ عَلَماً فَاهْتَدُوا بِعَلَمِكُمْ، وَ إِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايتِهِ، وَ اخْرُجُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَ بَينَ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ، أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ وَ حَجِيجٌ يوْمَ الْقِيامَةِ عَنْكُمْ**: همانا پرچم هدایتی برای شما برافراشتند، با آن هدایت شوید؛ و برای اسلام نیز هدفی است، به آن دسترسی پیدا کنید و با انجام واجبات، حقوق الهی را اَدا کنید که وظائف شما را آشکارا بیان کرده؛ و من گواه اَعمال شما بوده و در روز قیامت از شما دفاع می‌کنم و به سود شما گواهی می‌دهم.» (خطبه ۱۷٦)

ب. تنبیه در نهج‌البلاغه

به فرموده امام علی‌ﷺ تنبیه در نهج‌البلاغه، عاملی جهت فراهم‌کردن بیم از بدی و نوعی ایمن‌سازی است، نَه تخریب آدمی و شکستن حریم‌های ایمنیِ درونی. بدین معنا که تنبیه در حقیقت، بیدارسازی است تا شخص در نتیجه هوشیاری خود، به ایمن‌سازی حریم‌های وجودی خویش دست یازد و از بدی دوری نماید؛ زیرا انسان، پیوسته در معرض اشتباه است و نفس سرکش او تا به‌دست خودش مهار نشود، ایشان را به گناه می‌کشاند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹٤: ٤۸۷).

امام‌ﷺ به‌دلیل اهمّیّتی که به سرنوشت مردم می‌داد و حسّاسیّت خاصّی که نسبت به جان و مال مردم داشت، دائماً در نهایت رأفت، اَعمال کارگزاران را کنترل کرده و با هشدار، آنها را از خیانت بر حذر می‌داشت. اگر خبر می‌رسید که یکی از کارگزاران با مردم تندخویی کرده و یا در اَمانت خیانت ورزیده، به سرعت اقدام می‌کرد و ابتدا آنها را به نرمی و با یادآوری خداوند و ترس از عقوبت گناه هشدار می‌داد و سپس در صورت تکرار، قاطعانه برخورد می‌کرد (کرباسی عامل، ۱۳۹۱).

چنان‌که به فرموده ایشـان، پیامبر اکرمﷺ نیز نسـبت به اَهداف رسـالت تربیتی خود این‌گونه بود: «**وَ مِنْهَا طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطِبِّهِ؛ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يضَعُ ذَلِكَ حَيثُ الْحَاجَةُ إِلَيهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُمْى، وَ آذَانٍ صُمٍّ، وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ، مُتَتَبِّعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيرَةِ**: و پیامبرﷺ طبیبی است که به‌وسیله طبّ خویش، برای درمان بیماری‌های گوناگون مردم، سـیار اسـت؛ به تحقیق مَرهم‌های شـفابخش او آماده؛ و اَبزار داغ‌کردن زخم‌ها را گداخته؛ و برای شـفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشـنوا و زبان‌های لال آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است» (خطبه ۱۰۸).

بر این اَساس، اگر چه تشویق باعث ایجاد شوق در انسان می‌شود، تنبیه هم باعث ایجاد خوف و دقّت در او می‌شـود. باید توجّه داشـت که نفس آدمی هم به «رجاء»، و هم به «خوف» نیاز دارد تا در زندگی و سیر و سلوک خویش، نَه از حرکت باز ایستد و نَه کج برود (عبدالرّحیمی، سهرابی، ۱۳۹۸: ۸۷).

امّا نکته مهمّ اینجا اسـت که به فرموده حضـرتؑ، از زیان‌های تنبیه هم نباید غافل شـد: «**اِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ اِقْبَالاً وَ إِدبَارا فَأتوُهَا مِن قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَ اِقْبَالِهَا، فَاِنَّ القَلْبَ اِذَا أُكرِهَ عَمِيَ**: همانا دل‌ها را روی‌آوردن و پُشت‌کردنی است، پس دل‌ها را آن‌گاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی‌آوردنی؛ زیرا اگر دل را به اِجبار به کاری وادارید کور می‌گردد» (حکمت ۱۹۳).

لذا امامؑ می‌فرماید: تا آنجا که ممکن است باید از روش تشویق بهره بگیریم، نَه از روش تنبیه؛ و از تنبیه به‌عنوان آخرین شـیوه درمان اسـتفاده کرد و تا می‌شـود با خطاکاران مُدارا کرد. «**وَ اخْلِطِ الشِّـدَّةَ بِضِـغْثٍ مِنَ اللِّينِ وَ ارْفُقْ مَا كَانَ الرِّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَزِمْ بِالشِّـدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشِّـدَّةُ**: و سـختی را با اندکی نرمی در هم بیامیز و مُدارا و مهربانی کن هنگامی که مُداراکردن شـایسته‌تر باشـد؛ و در جایی که جز با درشتی کار انجام نمی‌گیرد، درشتی کن.» (نامه ٤٦).

امامؑ حتّی در رابطه با ممنوعیت تبعیض در تنبیه و برخورد قاطع با خیانتکار، فرزندان خود را در نظر دارد و می‌فرماید: «**وَ اللّهِ لَو اَنَّ الْحَسَـنَ وَ الْحُسَـينَ فَعَلَا مِثلَ الَّذِی فَعَلتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِندِی هَوَادَةٌ**: به خدا قَسَم سوگند! اگر حسن و حسینؑ هم آنچه را تو انجام داده‌ای، مرتکب شده بودند، از من روی خوش نمی‌دیدند» (نامه ٤١).

۲. انواع تنبیه از منظر امام علیؑ

تنبیه‌ها از منظر امیر مؤمنان به شرح ذیل است:

۲ـ۱. تنبیه غیربدنی

تنبیه، واپسـین روش تربیتی اسـت. به دیگر سـخن، هرگاه والدین و مربّیان، پس از به‌کاربسـتن شـیوه‌های تشـویقی برای اِصـلاح رفتار و تثبیت اخلاق شـایسـته در متربّی، نتیجه‌ای به‌دسـت نیاوردند،

نوبت به تنبیه می‌رسد. در تنبیه نیز تنبیه غیربدنی بر تنبیه بدنی مقدّم است؛ یعنی هرگاه تنبیه غیربدنی اَثر نبخشید، نوبت به تنبیه بدنی می‌رسد (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۵).

تنبیه غیربدنی عبارت است از استفاده از حرکات چهره‌ای منفی نظیر: اَخم‌کردن، چشم غُرّه‌رفتن، ترش‌رویی و... ویا استفاده از عبارات و اَلفاظ ناپسند؛ مانند: لقب دادن، ناسزا گفتن، داد و فریاد کردن و... و همچنین استفاده از روش‌های تحقیر، تهدید، توبیخ، سرزنش‌کردن و... (غفّاری، حسینی، ۱۳۹۵: ۹۸).

منتهی با توجّه به این که هدف از تنبیه، بیداری انسان است نه چیز دیگر، از منظر امام﵇ بین مجازات برادر دینی با شخص بیگانه‌ای که هیچ محبّتی با وی نبوده نیز تفاوت وجود دارد و نحوه برخورد با برادر ایمانی، باید کریمانه باشد: «**عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيهِ، وَ ارْدُدْ شَرَّهِ بِالْإِنْعَامِ عَلَيهِ**: برادرت را با احسان و نیکی‌کردن سرزنش کن و شَرّش را با بخشش، به او بازگردان.» (حکمت ۱۵۸)؛ زیرا نیکی و احسان به کسی که نسبت به ما بدی کرده، در واقع نوعی سرزنش رفتاری و غیرکلامی است که از مصادیق تنبیه غیربدنی برشمرده می‌شود.

۲ـ۲. تذکّر

این شیوه بدین معنا است که والدین و مربّیان، متربّیِ خطاکار را یا با اِشاره و کنایه و یا به‌صورت غیرعلنی، در خلوت و به دور از چشم دیگران، متذکّر می‌شوند (قائمی مقدّم، ۱۳۹۰: ۱۴۲). امام﵇ نیز به‌جهت تذکّر، در نامه‌ای به فرزندش امام حسن مجتبی﵇ می‌فرماید: «**وَ اعْلَمْ يا بُنَى! أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيا، وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ، وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَياةِ؛ وَ أَنَّكَ فِى قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْغَةٍ، وَ طَرِيقٍ إِلَى الآخِرَةِ، وَ أَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِى لَا ينْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ، وَ لَا يفُوتُهُ طَالِبُهُ، وَ لَا بُدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ، فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يدْرِكَكَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيئَةٍ، قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ، فَيحُولَ بَينَكَ وَ بَينَ ذَلِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ. يا بُنَى! أَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيهِ، وَ تُفْضِى بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيهِ، حَتَّى يأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذْتَ مِنْهُ حِذْرَكَ، وَ شَدَدْتَ لَهُ أَزْرَكَ، وَ لَا يأْتِيكَ بَغْتَةً فَيبْهَرَكَ**: و بدان اِی پسرم! تو را برای آخرت آفریده‌اند نَه برای دنیا؛ و برای فناء آفریده‌اند نَه برای بقاء؛ و برای مرگ آفریده‌اند نَه برای زندگی؛ در سرای هستی ناپایدار که باید از آن رَخت بَربندی، تنها روزی چند در آن خواهی زیست. راه تو راه آخرت است و تو شکار مرگ هستی؛ مرگی که نَه تو را از آن گریز است و نَه گزیر، در پی هرکه باشد خواه و ناخواه او را خواهد یافت. پس از آن بترس که گرفتارت سازد و تو سرگرم گناه بوده باشی، به این اُمید که زان سپس توبه خواهی کرد؛ ولی مرگ میان تو و توبه‌ات حایل شود، و تو خود را تباه ساخته باشی. اِی فرزندم! فراوان مرگ را یاد کن و هجوم ناگهانی آن را به‌خاطر داشته باش و در اندیشه پیشامدهای پس از مرگ باش تا چون مرگ به سراغت آید، مهیای آن شده، کَمَر خود را بسته باشی، به گونه‌ای که فرا رسیدنش به ناگهان مغلوبت نسازد.» (نامه ۳۱).

۲ـ۳. سخن تُند

در استفاده از این شیوه، باید جنبه‌های تعلیمی و تربیتی نیز در نظر گرفته شود. از این رو، باید در اجرای آن از واژه‌های مناسب استفاده کرد و جنبه توهین‌آمیز نداشته باشد. همچنین باید به بهترین صورت با فرد خطاکار سخن بگوییم. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۷) البتّه باید دقّت داشت که استفاده از این شیوه، چون عامل جریحه‌داریِ عواطف و دربرگیرنده لُغاتی تُند و زننده است، در مواردی خاصّ باید مورد استفاده قرار گیرد. زمانی که در واقع راه مِهر و مُلاطفت و تذکّر به روی والدین و مربّیان بسته شده و آنان در مرزدار کردن رفتارشان با متربّی، به بُن‌بست رسیده باشند. (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۹)

امام﵇ نیز از این روش بهره بُرده و نسبت به برخی از یاران خود این‌گونه می‌فرماید: «**يا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمْ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهِ جَرَّتْ نَدَماً وَ أَعْقَبَتْ سَدَماً قَاتَلَكُمُ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيحاً وَ شَحَنْتُمْ صَدْرِي غَيظاً وَ جَرَّعْتُمُونِي نُغَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاساً وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَي رَأْيِي بِالْعِصْيانِ وَ الْخِذْلَانِ حَتَّى قَالَتْ قُرَيشٌ إِنَّ ابن‌أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ لِلَّهِ أَبُوهُمْ وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاساً وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَاماً مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَّفْتُ عَلَى السِّتِّينَ وَ لَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ**: ای مرد نمایان نامرد! و ای کودک‌صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پَرده‌نشین شباهت دارد، دوست داشتم اصلاً شما را نمی‌دیدم و نمی‌شناختم؛ این چه آشنایی است که به خدا سوگند موجب پشیمانی و سرانجامِ آن اندوه است. خدا مرگتان دهد که دلم را خون کردید و سینه‌ام را از خشم آکندید؛ و جرعه‌های غم را یکی پس از دیگری به کامم ریختید و با نافرمانی و کارشکنی‌تان اندیشه‌ام را تباه کردید تا آن‌جا که قریش گفت: پسر اَبوطالب دلیر مرد است؛ امّا از دانش نبرد بهره ندارد. خدا پدرشان را بیامرزد! آیا کسی از من جنگاورتر و در جبهه پُرسابقه‌تر هست؟ من هنوز بیست سال نداشتم که پای در جبهه گذاشتم تا امروز که شصت سال را پشت سر نهاده‌ام. امّا چه کنم، آن کس که فرمانش را اجرا نکنند، رأیی نخواهد داشت.» (خطبه ۲۷).

۲ـ۴. تهدید

اَساس تهدید، هراساندن خطاکار از رُخ‌دادن اَمری است که از آن بیم دارد. تهدید، رسیدن به هدف را آسان‌تر می‌کند. با بهره‌گیری از تهدید می‌توان آدمی را از راهی که در پیش دارد، باز داشت و اجازه نداد که بی‌بندوبار و یا بی‌ضابطه باشد. زیرا او در پی تهدید، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد. یك راه، تلاش برای رسیدن به خواسته‌ها است که به عذاب و سختی خواهد انجامید و راه دیگر، چشم‌پوشی از خطاها و برگزیدن راه مستقیم است که معمولاً اگر فرد، تهدید سختی را در برابر خود ببیند، راه دوّم را برای خود

بر می‌گزینند. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۵) لازم به ذکر است که روش تهدید در تنبیه غیربدنی، معمولاً با لحن شدید و چهره گرفته فردِ تنبیه‌کننده صورت می‌گیرد و قلمروِ کاربرد آن، بیشتر از سنّ تمییز به بعد است (پاکدامن و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸).

امام﵇ نسبت به تنبیه مخالفانِ با حقّ و ترویج‌کنندگانِ باطل می‌فرماید: «**وَ لَعَمْرِی مَا عَلَی مِنْ قِتَالِ مَنْ خَالَفَ الحَقَّ، وَ خَابَطَ الْغَی، مِنْ اِدْهانٍ وَ لا اِیهَانٍ**: سوگند به جان خودم! در جنگ و مبارزه با کسی که با حقّ مخالفت ورزید و در گمراهی و فساد قدم نهاد، هیچ‌گونه مسامحه و سستی در کار نخواهد بود.» (خطبه ٢٤)

و یا حضرت﵇ نسبت به تنبیه انسانی که زبانش را کنترل نمی‌کند، می‌فرماید: «**وَ لْیخْزُنِ الرَّجُلُ لِسَانَهُ، فَإِنَّ هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ**: مرد باید زبانش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد.» (خطبه ١٧٦).

و در نهایت امام﵇ به‌جهت تنبیه انسان کج‌رفتار فرمود: «**فَإِنْ أَنْتُمْ لَمْ تَسْتَقِیمُوا لِی عَلَی ذَلِكَ لَمْ یكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَی مِمَّنِ اعْوَجَّ مِنْكُمْ، ثُمَّ أُعْظِمُ لَهُ الْعُقُوبَةَ، وَ لَا یجِدُ عِنْدِی فِیهَا رُخْصَةً. فَخُذُوا هَذَا مِنْ أُمَرَائِكُمْ، وَ أَعْطُوهُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَا یصْلِحُ اللَّهُ بِهِ أَمْرَكُمْ**: حال اگر شما پایداری نکنید، خوارترین اَفراد نزد من انسان کج‌رفتار است که او را به سختی کیفر خواهم داد و هیچ راه فراری نخواهد داشت. پس دستورالعمل‌های ضروری را از فرماندهانتان دریافت داشته و از فرماندهان خود در آن چه که خدا اُمور شما را اِصلاح می‌کند، اطاعت کنید.» (نامه ٥٠).

امام﵇ در استفاده از این شیوه می‌فرماید: «**أَمَّا بَعْدُ! فَقَدْ بَلَغَنِی عَنْک أَمْرٌ، إِنْ كنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبَّک، وَ عَصَیتَ إِمَامَک، وَ أَخْزَیتَ أَمَانَتَک. بَلَغَنِی أَنَّک جَرَّدْتَ الْأَرْضَ، فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَیک، وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ یدَیک. فَارْفَعْ إِلَی حِسَابَک، وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ**: پس از یاد خداوند و درود! گزارش رسیده که کاری از تو سرزده است که اگر به راستی مرتکب آن شده باشی، بی‌تردید پروردگارت را به خشم آورده‌ای؛ و در برابر فرمان امام خویش عصیان ورزیده‌ای و اَمانت خود را به ابتذال کشاندی و خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کِشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس بی‌درنگ، ترازنامه مالیت را نزد من بفرست و این را بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم، بزرگ‌تر است.» (نامه ٤٠).

٢ـ٥. سرزنش

سرزنش کردن، شیوه فشار آرامی برای کنترل انسان است و معمولاً زمانی به‌کار می‌رود که آدمی از پندآموزی دیگران، طَرفی نبسته و از خیرخواهی آنان بهره‌ای نبرده و در دامی گرفتار آمده باشد. بی‌شکّ وی با نگرانی و ناراحتی، افسوس خواهد خورد که چرا سخن بزرگان را نشنیده و مورد عنایت قرار نداده است. طبیعی است که سرزنش برای او از شکنجه، شلّاق و زندان هم دردناک‌تر خواهد بود و روح و جان او را خواهد آزرد (قائمی امیری، ١٣٩٠: ٢٤٠).

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، سال دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص: ۴۱۳-۴۳۸
الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج‌البلاغه با تأکید بر هفت سال دوّم (کودکی) تعلیم و تربیت
مهدی‌محمد میرزایی و همکاران

امام﵇ به‌جهت نکوهشِ کوفیان می‌فرماید: «وَ عَلَى ابْتِلَائِي بِكُمْ أَيَّتُهَا الْفِرْقَةُ الَّتِي إِذَا أَمَرْتُ لَمْ تُطِعْ، وَ إِذَا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ، إِنْ أُمْهِلْتُمْ خُضْتُمْ وَ إِنْ حُورِبْتُمْ خُرْتُمْ. وَ إِنِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى إِمَامٍ طَعَنْتُمْ، وَ إِنْ أُجِئْتُمْ إِلَى مُشَاقَّةٍ نَكَصْتُمْ. لَا أَبَا لِغَيرِكُمْ! مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ وَ الْجِهَادِ عَلَى حَقِّكُمْ؟ اَلْمَوْتَ أَوِ الذُّلَّ لَكُمْ؟ فَوَاللَّهِ لَئِنْ جَاءَ يومِي -وَ لَيأْتِيَنِّي- لَيفَرِّقَنَّ بَينِي وَ بَينِكُمْ، وَ أَنَا لِصُحْبَتِكُمْ قَالٍ، وَ بِكُمْ غَيرُ كَثِيرٍ: و خداوند را بر این گرفتار شدنم به شما کوفیان می‌ستایم. اِی مردمی که هرگاه فرمان دادم اطاعت نکردید؛ و هر زمان شما را دعوت کردم پاسخ ندادید. هرگاه شما را مهلت می‌دهم در بیهودگی فرو می‌روید و در هنگامه جنگ سُست و ناتوانید. اگر مردم اطراف امام خود جمع شوند، طعنه زده و اگر شما را برای حلّ مشکلی بخوانند سر باز می‌زنید. پدر مباد دشمنان شما را! برای پیروزی منتظر چه چیزی هستید و چرا برای گرفتن حقّ خود جهاد نمی‌کنید؟ آیا در انتظار مرگ یا ذلّت هستید؟ به خدا سوگند، اگر مرگ من فرا رسد -که حتماً خواهد رسید- بین من و شما جدایی خواهد اُفتاد؛ در حالی که من از هم‌نشینی با شما ناراحت و حضورتان برای من بی‌فایده بود.» (خطبه ۱۸۰).

امام﵇ به‌جهت تنبیه غیربدنی توده مردم کوفه می‌فرماید: «مُنِيتُ بِمَنْ لَا يطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَ لَا يجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ. لَا أَبَا لَكُمْ مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبَّكُمْ؟ أَمَا دِينٌ يجْمَعُكُمْ وَ لَا حَمِيةَ تُحْمِشُكُمْ؟: گرفتار کسانی شده‌ام که چون اَمر می‌کنم فرمان نمی‌بَرند و چون آنها را فرا می‌خوانم، اجابت نمی‌کنند. اِی مردم بی‌اَصل و ریشه، در یاریِ پروردگارتان برای چه در انتظارید؟ آیا دینی ندارید که شما را گِرد آورد و یا حمیّت و غیرتی که شما را به خشم وا دارد؟» (خطبه ۳۹).

۲ـ۶. اِخطار

اگر دیگر شیوه‌های تنبیه غیربدنی، ما را به هدف تعلیم و تربیت نرساند، باید به‌طور کتبی یا شفاهی، به انسان متخلّف اِخطار داد و او را به اهمّیّت این مسأله و خطری که آن را تهدید می‌کند، آگاه کرد. بر این اَساس، این اِخطارها سبب می‌گردند که فرد خطاکار، دست از بی‌توجّهی و خروج از مرزها بردارد و راه و روش معقول را در پیش گیرد (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

امام﵇ به‌جهت اِخطار به زیاد بن اَبیه می‌فرماید: «وَ إِنِّي أُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَماً صَادِقاً لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فَيءِ الْمُسْلِمِينَ شَيئاً صَغِيراً أَوْ كَبِيرا لَأَشُدَّنَّ عَلَيكَ شَدَّةً تَدَعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَئِيلَ الْأَمْرِ: و من سوگند به خدا یاد می‌کنم، سوگند از روی راستی و درستی! اگر به من گزارش برسد که تو در بیت‌المال مسلمانان به چیزی اندك یا بزرگ خیانت کرده و برخلاف دستور صرف نموده‌ای، بر تو سخت خواهم گرفت، چنان سخت‌گیری که تو را کم‌مایه و گران‌پُشت و ذلیل و خوار گرداند (تو را از مقام و منزلت برکنار نموده، آن چه از بیت‌المال لندوخته‌ای، می‌ستانم؛ به‌طوری که درویش گردیده و تولنائی کشیدن بار مئونه و روزی عیال نداشته و در پیش مردم خوار و پَست گردی)» (نامه ۲۰).

همچنین امام﵇ در نامه دیگری به فرماندار بصره (عثمان بن حُنیف اَنصاری) این‌گونه می‌فرماید: «**أَمَّا بَعْدُ، یا ابن‌حُنَیفٍ! فَقَدْ بَلَغَنِی أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْیةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَی مَأْدُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَیهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَ تُنْقَلُ إِلَیكَ الْجِفَانُ. وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِیبُ إِلَی طَعَامِ قَوْمٍ، عَائِلُهُمْ مَجْفُوٌّ، وَ غَنِیهُمْ مَدْعُوٌّ. فَانْظُرْ إِلَی مَا تَقْضَمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَیكَ عِلْمُهُ فَالْفِظْهُ، وَ مَا أَیقَنْتَ بِطِیبِ وُجوهِهِ فَنَلْ مِنْهُ...**: پس از یاد خدا و درود، ای پسر حُنیف! به من خبر رسیده که یکی از جوانان اَهل بصره تو را به طعام عروسی خوانده است و به‌سوی آن طعام شتابان رفته‌ای و خوردنی و خورشت‌های رنگارنگ گوارا برایت خواسته و کاسه‌های بزرگ به سویت آورده می‌شد. گمان نداشتم تو بروی به مهمانی گروهی که درویش و نیازمندشان را برانند و توانگرشان را بخوانند! پس نظر کن به آن چه دندان بر آن می‌نهی از این خوردنی و چیزی را که بر تو آشکار نیست (نمی‌دانی حلال است یا حرام) بیفکن (مخور)، و آنچه را که به پاکی راه‌های به‌دست آوردنِ آن دانائی (می‌دانی از راه حلال و درستکاری به‌دست آمده) بخور» (نامه ٤٥).

لذا این‌گونه بیان امام﵇، در واقع هشدار و اِخطاری است به دیگران که دیگر این نوع رفتارها تکرار نشود و در صورت تکرار آن، برخورد سخت‌گیرانه‌تری انجام خواهد شد.

۲ـ۷. توبیخ کردن

در صورتی که هشدارها و نگاه تُند و ملامت‌بار نتوانند فرد متخلّف را به راه آورد، می‌توان از کلمات و عباراتی که احساسات او را جریحه‌دار کرده و موجب بازگشت او از راه و برنامه خطا به راه درست شده استفاده کرد. البتّه باید دقّت داشت توبیخ‌ها، چون عامل جریحه‌داریِ عواطف، و دربرگیرنده لُغاتی زننده هستند، در مواردی خاصّ باید مورد استفاده قرار گیرند. (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۹)

امام﵇ نسبت به مَصقله بن هبیره شیبانی، این‌گونه او را تنبیه و فرموده است: «**بَلَغَنِی عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ إِلَهَكَ، وَ عَصَیتَ إِمَامَكَ. أَنَّكَ تَقْسِمُ فَیءَ الْمُسْلِمِینَ الَّذِی حَازَتْهُ رِمَاحُهُمْ وَ خُیولُهُمْ، وَ أُرِیقَتْ عَلَیهِ دِمَاؤُهُمْ، فِیمَنِ اعْتَامَكَ مِنْ أَعْرَابِ قَوْمِكَ. فَوَالَّذِی فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ، لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ حَقّاً لَتَجِدَنَّ لَكَ عَلَی هَوَانا، وَ لَتَخِفَّنَّ عِنْدِی مِیزَاناً. فَلَا تَسْتَهِنْ بِحَقِّ رَبِّكَ وَ لَا تُصْلِحْ دُنْیاكَ بِمَحْقِ دِینِكَ، فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِینَ أَعْمَالاً. أَلَا وَ إِنَّ حَقَّ مَنْ قِبَلَكَ وَ قِبَلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ فِی قِسْمَةِ هَذَا الْفَیءِ سَوَاءٌ؛ یرِدُونَ عِنْدِی عَلَیهِ وَ یصْدُرُونَ عَنْهُ**: گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گِرد آورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به‌دست آمده، به اَعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را بَرگزیدند، می‌بخشی. به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبك گردیده است. پس حقّ پروردگارت را سبك مشمار و

دنیای خود را با نابودیِ دین آباد نکن که زیان‌کارترین انسانی. آگاه باش حقّ مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت‌المال مساوی است؛ همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند» (نامه ٤٣).

۲ـ۸. بیرون راندن و برکناری

اگر همه مراحل تنبیه غیربدنی سودی نبخشید و انسان خطاکار، همچنان به اشتباه خود ادامه داد، تنها راه درمان، بیرون راندن او است. باید با بیرون راندن دانش‌آموز خطاکار از کلاس درس یا مدرسه، کارمند متخلّف از محلّ کار و برکناری مسئول متخلّف از مسئولیتش، آنان را تنبیه کرد. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۸) امام علی‌علیه‌السلام در نامه ۷۱، یکی از فرمانداران و کارگزاران حکومتی خود به نام مُنذر بن جارود عبدی را به‌دلیل خیانت و تجاوز در بیت‌المال، بلافاصله از مسئولیّت خود برکنار و عزل نمود (کدخدایی، سلوکلایی، ۱۳۹۰: ۹۲).

امام‌علیه‌السلام فرمود: «**فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رُقِّيَ إِلَيَّ عَنْكَ لَا تَدَعُ لِهَوَاكَ انْقِياداً، وَ لَا تُبْقِي لِآخِرَتِكَ عَتَاداً. تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ آخِرَتِكَ، وَ تَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ. وَ لَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقّاً، لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَ شِسْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ، وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَسَدَّ بِهِ ثَغْرٌ، أَوْ يَنْفَذَ بِهِ أَمْرٌ، أَوْ يُعْلَى لَهُ قَدْرٌ، أَوْ يُشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ، أَوْ يُؤْمَنَ عَلَى جِبَايَةٍ**: ناگهان به من خبر دادند که تو در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای. دنیای خود را با تباه‌کردن آخرت آبادان می‌کنی و برای پیوستن باخویشاوندانت از دین خداوند بُریده‌ای. اگر آن‌چه به من گزارش رسیده درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است؛ و کسی که همانند تو باشد، نَه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نَه می‌تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود، یا شریك در اَمانت باشد و یا از خیانتی دور ماند» (نامه ۷۱).

نکته مهمّ در اجرای این شیوه، با توجّه به این که جزء شدیدترین اقدامات تنبیه بوده این می‌باشد که این روش زمانی بلید به کار گرفته شود که فرد به‌طور کامل، خطاکار باشد و فراوانی رفتارهای تخلّف‌آمیز وی، مکرّر مشاهده گردد و این رفتارها به جاهای دیگر آسیب جدّی وارد سازد (چترچی، فقیهی پور، ۱۳۹۹: ۹۰).

۲ـ۹. تنبیه بدنی

تنبیه بدنی به‌قصد تربیت و اِصلاح نسل‌ها و بازداری ایشان از لغزش، از بدو پیدایش جوامع و در دوره‌های مختلف، به صُور گوناگون خود را متجلّی ساخته است. امروزه قوانین جزائی در کشورهای مختلف، عاملی بازدارنده و از مصادیق تنبیه تلقّی می‌شوند. دین اسلام در باب تنبیه، دیدگاه خاصّی

دارد که از هرگونه افراط و تفریط منزّه است و به شیوه‌ای اِعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به‌شکل محدود برای اِصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می‌پذیرد. البتّه قبل از آن، توصیه به شفقّت کرده و بر این اَساس حتّی تنبیه بدنی را برای حیوانات هم نمی‌پسندد و به ترحّم بر آنها سفارش کرده است (کرباسی عامل، ۱۳۹۱).

این نکته را هم باید در نظر داشت که تنبیه بدنی غالباً سازنده نیست؛ بلکه به‌عنوان یک عامل بازدارنده در تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. انسان ممکن است از ترس تنبیه، به حسب ظاهر، دست از کار خطای خود بردارد و در حضور دیگران، آن کار را انجام ندهد؛ امّا این عادت بدش، غالباً از بین نمی‌رود (فرهادیان، ۱۳۹۰: ۲٦۰).

بنابراین، اَساس تعلیم و تربیت در آموزه‌های دینی بر گذشت، اِغماض، رِفق، مُدارا و در نظر داشتن غلبه تشویق بر تنبیه است. اَصل بر این است که با استفاده از شیوه‌های محبّت، اُنس، صفا و اخلاق کریمانه، انسان را به‌سوی مقصود جهت دهیم. ولی در مواردی که این جنبه‌ها مؤثّر واقع نشدند، باید شیوه سختی را باز هم بر اَساس حرکت از مُدارا به خشونت، راه سازندگی را در پیش گیریم که تنبیه بدنی در صف آن شیوه است (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲٤۷).

به همین منظور امام﵇ به‌جهت برخورد قاطع با خیانتکار می‌فرماید: «...**فَاتَّقِ اللَّهَ وَ ارْدُدْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمْكَنَنِي اللَّهُ مِنْكَ لَأُعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ، وَ لَأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَداً إِلَّا دَخَلَ النَّارَ! وَ اللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ، وَ لَا ظَفِرَا مِنِّي بِإِرَادَةٍ، حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُمَا، وَ أُزِيلَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا...**: پس از خدا بترس و مال‌های این گروه را به خود بازگردان که اگر این کار را نکرده باشی و خدا مرا به تو توانا گرداند، هر آینه دربارهٔ (به کیفر رساندن) تو نزد خدا عذر بیاورم و تو را به شمشیرم که کسی را به آن نزده‌ام، مگر آنکه در آتش دوزخ داخل شده بزنم. و به خدا سوگند اگر حسن و حسین﵈ کرده بودند مانند آن‌چه تو کردی، با ایشان صلح و آشتی نمی‌کردم؛ و از من به خواهشی نمی‌رسیدند تا این‌که حقّ را از آنان بستانم و باطلِ رسیده از ستم آنها را دور سازم» (نامه ٤۱).

مُنتهی باید دقّت کرد که به فرموده امام﵇، در کنار اهمّیّت‌دادن به تنبیه بدنی باید حدّ اعتدال را نیز رعایت کرد: «**فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكِّلْ بِهِ، وَ عَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ**: پس از آن که اِحتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به اِحتکار کالا زد، او را کیفرش دِه و عقوبتش کُن تا سبب عبرت دیگران گردد؛ ولی کار به اِسراف نکشد» (نامه ۵۳).

ج. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش‌رو؛ بر اساس ماهیّت و هویّتی که دارد، از لحاظ هدف بنیادی است؛ به این دلیل که در این تحقیق کوشش می‌شود تا یک مدل جامع با استفاده از نگرش کیفی و با توجّه به داده‌های کیفی جمع‌آوری شده و برای تشویق و تنبیه ارائه شود. همچنین در مورد روش‌شناسی تحقیق نیز باید گفت، در این پژوهش از روش تحقیق کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون استفاده شد که برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از داده‌های ثانویه استفاده گردید. این اَسناد و مدارک شامل متن نهج‌البلاغه (منبع اصلی تحقیق) می‌باشد.

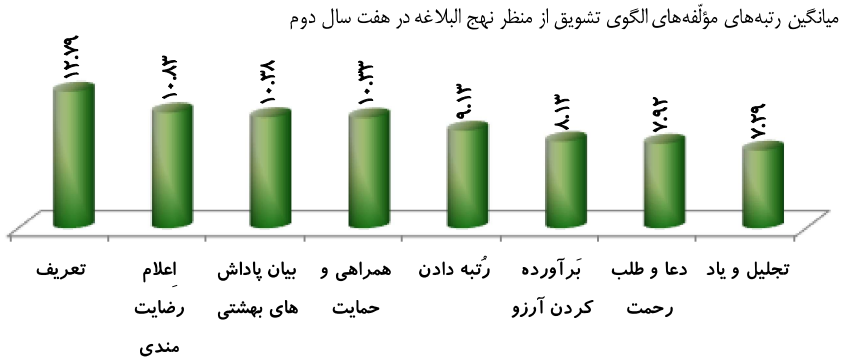
پس از بررسی منبع اصلی تحقیق، مؤلّفه‌هایی به‌عنوان مضمون از متن اصلی استخراج و کُدگذاری شدند. در مرحله بعد مضامین استخراج شده، جهت تأیید و صحّت‌سنجی در اختیار ۱۲ نفر از خُبرگان و اساتید دانشگاهی متخصّص در این حوزه قرار گرفت؛ و با استفاده از روش دلفی[1]، طیّ ۳ مرحله، مضامین اصلی شناسایی و در نهایت مضامین استخراج شده از مرحله قبل با استفاده از آزمون اولویّت‌بندی فریدمن، و مقیاس اَندازه‌گیریِ پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم و بر اساس میانگین رتبه مرتّب گردیدند که نتایج آن به ترتیب درجه به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

جدول (۱): ارائه مؤلّفه‌های الگوی تشویق از منظر نهج‌البلاغه، در هفت سال دوّم تعلیم و تربیت

مؤلّفه‌ها	میانگین رتبه	مؤلّفه‌ها	میانگین رتبه
کلامی/تعریف	12/79	ارزشی (معنوی)/رُتبه‌دادن	9/13
کلامی/اِعلام رضایت‌مندی	10/83	مادّی/بَرآورده کردن آرزو	8/13
کلامی/بیان پاداش‌های بهشتی	10/38	کلامی/دعا و طلب رحمت	7/92
ارزشی (معنوی)/همراهی و حمایت	10/33	کلامی/تجلیل و یاد	7/29

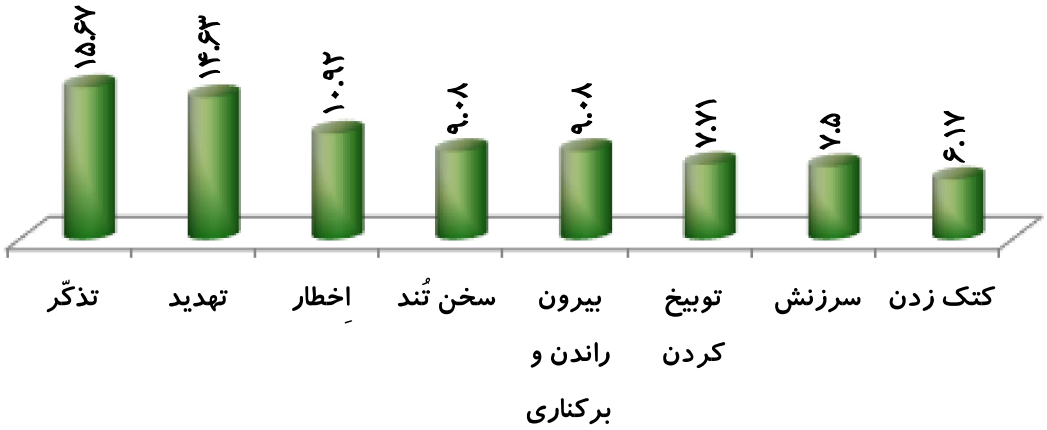
۱. روش دلفی یا پنل خُبرگان، فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از متخصّصان و خُبرگان است که از طریق توزیع پُرسش‌نامه‌هایی در بین این اَفراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد. لذا اَساس و پایه روش دلفی بر این است که نظر متخصّصان هر قلمرو و گروه عِلمی، صائب‌ترین نظر است. بنابراین، برخلاف روش‌های تحقیق پیمایشی، اعتبار روش دلفی، نَه به تعداد شرکت‌کنندگانِ در تحقیق، که به اعتبار عِلمی متخصّصانِ شرکت‌کننده در پژوهش بستگی دارد. شرکت‌کنندگانِ در تحقیق دلفی از ۵ تا ۲۰ نفر را شامل می‌شوند. (پناهی، ۱۳۹٤)

جدول (۲): ارائه مؤلّفه‌های الگوی تنبیه از منظر نهج‌البلاغه، در هفت سال دوّم تعلیم و تربیت

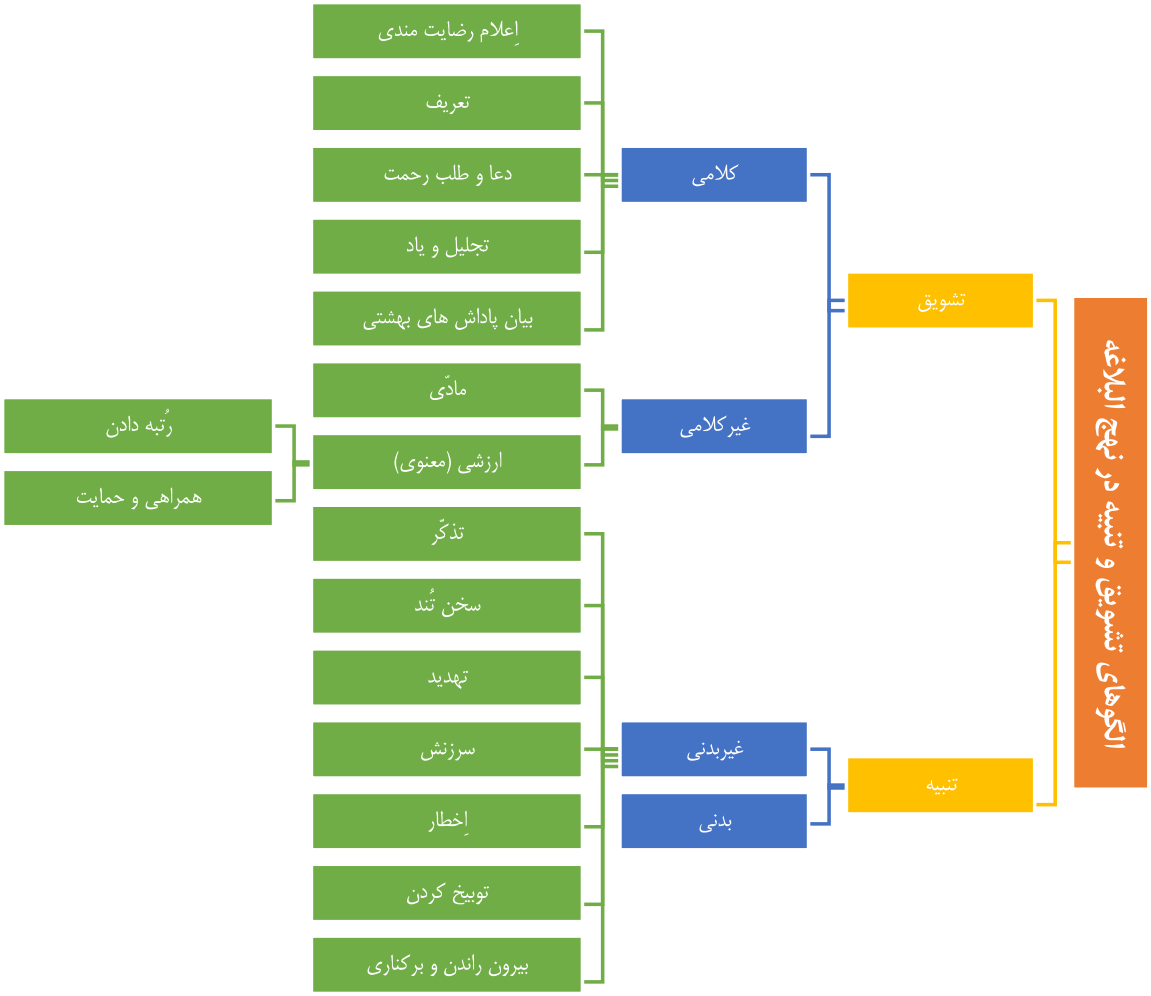


مؤلّفه‌ها	میانگین رتبه	مؤلّفه‌ها	میانگین رتبه
غیربدنی/تذکّر	15/67	غیربدنی/بیرون راندن و برکناری	9/08
غیربدنی/تهدید	14/63	غیربدنی/توبیخ‌کردن	7/71
غیربدنی/اِخطار	10/92	غیربدنی/سرزنش	7/50
غیربدنی/سخن تُند	9/08	بدنی/کتک‌زدن	6/17

میانگین رتبه‌های مؤلّفه‌های الگوی تنبیه از منظر نهج البلاغه در هفت سال دوم



مدل مفهومی تحقیق



نتیجه‌گیری

در مکتب تربیتی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، ضمن رعایت اَصل تقدّم تشویق بر تنبیه، ایشان همواره مردم و یا کارگزاران خود را با در نظرداشتن نکات دقیق تربیتی، مورد تشویق و یا تنبیه قرار می داد. البتّه هرچند تنبیه، به‌عنوان عامل بازدارنده ممکن است انسان را از ارتکاب کارهای زشت باز دارد؛ ولی معمولاً انگیزه‌های درونیِ او را تغییر نمی‌دهد،و به اِصلاح درون و تغییر در رفتار نمی‌انجامد. به همین دلیل، ریشه‌های رفتار نامطلوب در او باقی می‌ماند و راه درستِ رفتارکردن را نمی‌آموزد. در

مقابل، نقش تشویق چنین نیست. تشویق، رغبت‌های درونی را برمی‌انگیزد و با تقویت روحیّه آدمی، رفتار مطلوب در او می‌آفریند. از این رو، تشویق، بیشتر از تنبیه در اِصلاح درون مؤثّر می‌افتد (قنبرلو، ۱۳۹۹: ۸).

بر این اَساس از نگاه امام﵇ هدف از اجرای هر دو روش تشویق و تنبیه، تربیت و اِصلاح انسان است؛ چنانکه حضرت در کلامی شیوا از نقش تشویق و تنبیه، به‌عنوان یکی از مهمّ‌ترین آداب صحیح تعلیم و تربیت، در اِصلاح انسان‌ها سخن گفته و فرموده: «**فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالآدَابِ، وَ الْبَهَائِمَ (وَ الجَاهِلَ) لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ**: انسان خردمند و عاقل، با تعلیم و تربیت‌های سازنده پند می‌گیرد، در صورتی که حیوانات (و یا انسان جاهل) با کتک‌زدن، پند می‌پذیرند» (نامه ۳۱) . لذا عمده‌ترین مؤلّفه‌های الگوی تشویق از منظر نهج‌البلاغه، در هفت سال دوّم تعلیم و تربیت انسان، به ترتیب درجه عبارتند از: تعریف، اِعلام رضایت‌مندی، بیان پاداش‌های بهشتی، همراهی و حمایت، رُتبه دادن، بَر آورده کردن آرزو، دعا و طلب رحمت، تجلیل و یاد.

همچنین عمده‌ترین مؤلّفه‌های الگوی تنبیه از منظر نهج‌البلاغه، در هفت سال دوّم تعلیم و تربیت انسان، به ترتیب درجه عبارتند از: تذکّر، تهدید، اِخطار، سخن تُند، بیرون رلندن و برکناری، توبیخ کردن، سرزنش‌و کتک‌زدن.

پیشنهاد می‌گردد به‌جهت این که اَثر تعلیمی و تربیتی مطلوب در تشویق و تنبیه حاصل شود، نکات ذیل در انجام‌دادن آن درنظر گرفته شود: ۱. تناسب تشویق و تنبیه با رفتار شخص؛ ۲. پرهیز از اِفراط و تفریط؛ ۳. توجّه به هدف‌نبودن تشویق و تنبیه؛ ٤. قاطعیّت در تنبیه و عدم تبعیض؛ ٥. به‌جا و به‌موقع بودن تشویق و تنبیه. ٦. اِشاره به علّت تشویق و یا تنبیه؛ ۷. اجرای تنبیه به‌صورت محرمانه و مرحله‌ای.

فهرست منابع

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه مرحوم حجّت‌الاسلام و المسلمین محمّد دشتی.
۲. احمدخانی، داود، و افشار، مهدی، تأثیر تشویق بر عملکرد کارکنان مورد مطالعه (فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران)، فصلنامه عِلمی_تخصّصی دانش انتظامی غرب استان تهران، شماره ۲، سال اول، ۱۳۹۳ش.
۳. پاکدامن، شهلا، پورعلمداری، پریسا، و پیمان‌پاک، فایزه، سیره تربیتی پیشوایان دینی در مقابله با تنبیه بدنی کودکان، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، شماره ۱، سال هفتم، ۱۳۹۳ش.
٤. پناهی، حمیدرضا، روش دلفی، ۱۳۹٤ش، بازیابی شده از: https: //hr-panahi.blogsky.com.
٥. چترچی، نوش‌آفرین، و فقیهی‌پور، جواد، شناسایی ابزارهای تنبیه کارکنان با رویکرد مدیریّت بین نسلی در سازمان تأمین اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۲، سال پانزدهم، ۱۳۹۹ش.
٦. خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آرزو از نگاه قرآن/آرزو باید انسان را در مسیر رشد و تعالی قرار دهد، ۱۳۹۳ش. بازیابی شده از: https: //lorestan.iqna.ir/fa/news/۲۷۹۵۰۳۱.
۷. دل‌افکار، علیرضا، جوادی، نصیرالدّین، فقهی زاده، عبدالهادی، و امین‌ناجی، محمّدهادی، اولویت رویکرد تشویق در تعلیم و تربیت بر اساس تقدیم و تأخیرهای لفظی قرآن و ارائه روش‌های قرآنی برای تحقّق آن در آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱، سال چهارم، ۱۳۹۸ش.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹٤ش.
۹. دهانی، هادی، و یحیی‌آبادی، محمّد، نگاهی نو به روش‌های تربیتیِ (الگویی، تشویق و تنبیه) معلّم بر تربیت اجتماعی کودک از منظر تعالیم اسلامی، سوّمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹٦ش.
۱۰. رضایی‌خواه، نرجس، تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن در مقالات نهمین جشنواره علامه حلّی، ۱۳۹۸ش. بازیابی شده از: https: //pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir.
۱۱. شعبانی، ابوالفضل، بررسی و تحلیل روش‌های رایج تشویق و تنبیه دانش‌آموزان در مدارس دوره ابتدایی و مرحله اوّل متوسّطه و تطبیق آن با سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان مرکزی، ۱۳۹۳ش.

۱۲. شـهرآشـوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب، دوره ٤ جلدی، قم: انتشـارات علّامه، ۱۳۷۹ق.
۱۳. صـحافی، فاطمه، و جاویدان، لیدا، بررسـی تمایز تشـویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسـلامی با سـایر دیدگاه‌ها، دوّمین کنفرانس ملّی روانشـناسـی و علوم تربیتی، دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد شادگان، ۱۳۹٤ش.
۱٤. عبدالرّحیمی، محمّد، و سـهرابی، حیدر، الگوی تنبیه بر اسـاس آیات قرآنی و سـیره علوی در سازمان‌های آموزشی، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳، سال چهارم، ۱۳۹۸ش.
۱۵. غفّاری، خلیل، و حسـینی، سـیّدسـعید، رابطه کاربرد شـیوه‌های تشـویق و تنبیه با عزّت‌نفس دانش‌آموزان، فصلنامه روانشناسی_تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، شماره ۲، سال هفتم، ۱۳۹۵ش.
۱٦. فرهادیان، رضـا، والدین و مربّیان مسـئول، چاپ چهارم، قم: انتشـارات بوسـتان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عِلمیّه قم)، ۱۳۹۰ش.
۱۷. قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، چاپ چهارم، تهران: انتشـارات سـازمان انجمن اولیاء و مربّیان، ۱۳۹۰ش.
۱۸. قائمی مقدّم، محمّدرضـا، روش‌های آسـیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسـلامی، چاپ پنجم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۱۹. قنبرلو، پروین، تأثیر تشـویق و تنبیه بر اصـلاح و تغییر رفتار دانش‌آموزان، مجلّه پژوهش‌های معاصر در علوم تحقیقات، شماره ۱۱، سال دوم، ۱۳۹۹ش.
۲۰. کدخدایی، عبّاسـعلی، و سـلوکلایی، محمّدفلاح، نظام تشـویق و تنبیه کارگزاران حکومتی در اسلام، فصلنامه عِلمی-پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۳، سال شانزدهم، ۱۳۹۰ش.
۲۱. کرباسـی‌عامل، عبدالوهّاب، ضـرورت و چگونگی تشـویق و تنبیه از دیدگاه امام علی‌علیه‌السلام، ۱۳۹۱ش. بازیابی شده از: https: //rasekhoon.net/article/show/214331.
۲۲. مردانی، مهدی، جایگاه تشـویق و تنبیه در مدیریّت علوی‌علیه‌السلام با تأکید بر نهج‌البلاغه، فصـلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۳۱، ۱۳۹۰ش.
۲۳. هـاشـملو، جعفر، تشـویق و تنبیـه در نهج‌البلاغـه، ۱۳۹۷ش. بـازیـابی شـده از: http: .//jafarhashemlou.blogfa.com/post/1404

Bibliography

1. *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Translated by the Late Hojjat al-Islam wa al-Muslimeen Mohammad Dashti.
2. Abdolrahimi, Mohammad Reza, *A Comparative Study of the Status of Encouragement and Punishment in the Educational System of Iran and Other Countries*, Iranian Journal of Educational Sociology, No. 1, Second Year, 1398 SH / 2019 CE.
3. Ahmadkhani, Davood, and Afshar, Mehdi, *The Impact of Encouragement on the Performance of Employees: A Case Study of Special Law Enforcement Commander in West Tehran Province*, Scientific Journal of Police Science of West Tehran Province, No. 2, First Year, 1393 SH / 2014 CE.
4. Chatrchi, Nushafrin, and Faghiehpour, Javad, *Identification of Employee Punishment Tools with a Generational Management Approach in the Social Security Organization*, Social Security Quarterly, No. 2, Fifteenth Year, 1399 SH / 2020 CE.
5. Dehani, Hadi, and Yahyaabadi, Mohammad, *A New Look at Teacher's Educational Methods (Modeling, Encouragement, and Punishment) on Children's Social Education from the Perspective of Islamic Teachings*, Third International Congress on Culture and Religious Thought, 1396 SH / 2017 CE.
6. Delafkar, Alireza, Javadi, Naseer al-Din, Faqhizadeh, Abdolhadi, and Aminnaji, Mohammad Hadi, *The Priority of the Encouragement Approach in Education Based on Quranic Verbal Introductions and Delays and Presenting Quranic Methods for Achieving it in Official and Public Education in the Country*, Journal of Applied Issues in Islamic Education, No. 1, Fourth Year, 1398 SH / 2019 CE.
7. Delshad Tehrani, Mostafa, *Mah Mehrparvar (The Love-Upbringer Moon)*, 7th Edition, Tehran: Darya Publications, 1394 SH / 2015 CE.
8. Farhadian, Reza, *Responsible Parents and Educators*, 4th Edition, Qom: Bustan Ketab Publications (Islamic Preaching Office of Qom Seminary), 1390 SH / 2011 CE.
9. Ghaffari, Khalil, and Hosseini, Seyyed Saeed, *The Relationship between the Application of Encouragement and Punishment Methods and Students' Self-esteem*, Journal of Educational Psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Campus, No. 2, Seventh Year, 1395 SH / 2016 CE.
10. Hashimlou, Jafar, *Encouragement and Punishment in Nahj al-Balaghah*, 1397 SH / 2018 CE. Retrieved from: http://jafarHashimlou.blogfa.com/post/1404.
11. International Quran News Agency (IQNA), *The Concept of Desire in the Quran: Desire Should Lead Humans towards Growth and Excellence*, 1393 SH / 2014 CE. Retrieved from: https://lorestan.iqna.ir/fa/news/2795031.
12. Kadkhudei, Abbassali, and Salooklaei, Mohammad Falahh, *The System of Encouragement and Punishment for Government Agents in Islam*, Islamic Government Scientific-Research Quarterly, No. 3, Sixteenth Year, 1390 SH / 2011 CE.
13. Karbasi Amel, Abdulwahhab, *The Necessity and Method of Encouragement and Punishment from the Perspective of Imam Ali*, 1391 SH / 2012 CE. Retrieved from: https://rasekhoon.net/article/show/214331.

14. Mardani, Mehdi, *The Position of Encouragement and Punishment in Alawi Management with Emphasis on Nahj al-Balaghah*, Journal of Nahj al-Balaghah Research, No. 31, 1390 SH / 2011 CE.
15. Pakdaman, Shahla, Pouralamdari, Parisa, and Peymanpak, Faizeh, *Educational Conduct of Religious Leaders in Dealing with Physical Punishment of Children*, International Journal of Human Rights, No. 1, Seventh Year, 1393 SH / 2014 CE.
16. Panahi, Hamidreza, *Delphi Method*, 1394 SH / 2015 CE, Retrieved from: https://hr-panahi.blogsky.com.
17. Qaemi Amiri, Ali, *Limits of Freedom in Education*, 4th Edition, Tehran: Society of Parents and Educators Publications, 1390 SH / 2011 CE.
18. Qaemi Moqaddam, Mohammad Reza, *Harmful Methods in Education from the Perspective of Islamic Education*, 5th Edition, Qom: Research Institute of Seminary and University, 1390 SH / 2011 CE.
19. Qanbarlou, Parvin, *The Effect of Encouragement and Punishment on Behavior Modification and Change in Students*, Journal of Contemporary Research in Research Sciences, No. 11, Second Year, 1399 SH / 2020 CE.
20. Rezaeikhah, Narjes, *Encouragement and Punishment from the Perspective of the Quran in the Articles of the 9th Allamah Hilli Festival*, 1398 SH / 2019 CE. Retrieved from: https://pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir.
21. Sahafi, Fatemeh, and Javidan, Lida, *Differentiation of Encouragement and Punishment in Islamic Education Compared to Other Perspectives*, Second National Conference on Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Shadegan Branch, 1394 SH / 2015 CE.
22. Sha'bani, Abolfazl, *Examination and Analysis of Common Methods of Encouragement and Punishment for Elementary and First Intermediate School Students and Its Alignment with the Fundamental Transformation Document of Education and Training*, Master's Thesis, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Markazi Province, 1393 SH / 2014 CE.
23. Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad bin Ali, *Manaqib al-Aal Abi Talib (Virtues of the Family of Abu Talib)*, 4-volume Set, Qom: Allamah Publications, 1379 SH / 2000 CE.